

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد / بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم / از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: آندری سوژنتسوف*
برگردان: سایت «۱۰ مهر»
۲۷ می ۲۰۲۲

اوکراین، نقطه شروع یک بحران بزرگتر؟



سناریوی سوم شامل تشدید شدید تنش‌ها بین روسیه و غرب است. این امکان وجود دارد که بحران به کشورهای ناتو سرایت کند یا جنگ تحریم‌ها علیه روسیه به امید متزلزل شدن پایه‌های دولت روسیه تشدید شود. در این صورت خطر درگیری هسته‌ای افزایش می‌یابد. با این حال، تاکنون شاهد بوده‌ایم که رهبران غربی از چنین طرح‌هایی فاصله گرفته و متعهد شده‌اند که نیروهای ناتو را وارد درگیری نخواهند کرد. اما در گذشته بارها و بارها شاهد عبور غرب از «خطوط قرمز» خود بوده‌ایم - و دلیلی وجود ندارد که این اتفاق دوباره تکرار نشود.

چرا روابط روسیه و اوکراین بر هر شهروند روس و اوکراینی تأثیر می‌گذارد؟ تا حدی، این یک جنگ داخلی به تعویق افتاده است که می‌توانست در اوایل پایان اتحاد جماهیر شوروی شروع شود. در آن زمان، نسل اول رهبران روسیه و اوکراین به خود می‌بالیدند که می‌توانند از طلاق خونین اجتناب کنند.

در روسیه، از هر دو نفر، یک نفر در کشور همسایه خویشاوندانی دارند و آنچه در آنجا اتفاق می‌افتد بیشتر یک موضوع سیاسی داخلی است. به‌عنوان مثال، هنگامی که دولت اوکراین کلیساهای ارتدکس روسیه را می‌بندد یا یک حزب مخالف طرفدار روسیه را ممنوع می‌کند، بلافاصله در تلویزیون روسیه گزارش می‌شود و سیاستمداران روس در آن زمینه اظهار نظر می‌کنند.

همه جمهوری‌های شوروی سابق در یک روز به استقلال دست یافتند و هر یک از این دولت‌ها به‌نوعی تجربه‌ای برای دولت‌سازی در ترسیم سیاست‌های خارجی و داخلی خود هستند.

ویژگی تجربه اوکراین با معضل زیر مشخص می‌شود: چگونه می‌توان دو ستون دولت اوکراین - اوکراین گالیسی و جامعه روسیه شرقی را با هم آشتی داد؟ در مقطعی نمایندگان نواحی غربی چماقی به‌دست گرفتند و در مذاکره با نمایندگان شرق از آن استفاده کردند - به‌همین دلیل میدان توانست پیروز شود. مسیری که تجربه اوکراین طی کرد نشان‌دهنده کاهش مداوم حضور و منافع هویت روسی است.

ولادیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور کنونی اوکراین در جریان انتخابات ریاست‌جمهوری، در تلاش‌های خود برای جلب حمایت در شرق کشور متعهد شد که هرگز تدریس زبان روسی را در مدارس ممنوع نخواهد کرد و از وضعیت زبان روسی به‌عنوان یک زبان در برقراری ارتباط بین مؤسسات، نهادها و دولت اطمینان حاصل خواهد کرد. و این که خاطره جنگ بزرگ میهنی حفظ خواهد شد. اما به محض این که او به قدرت رسید، مشخص شد که او دقیقاً عکس این را در نظر داشته است.

اگر اکنون به نحوه گزارش درگیری مسلحانه کنونی در رسانه‌های غربی نگاه کنیم، می‌توان به این نتیجه رسید که روسیه بزرگ و قوی به اوکراین کوچک و ضعیف حمله کرده است. اما از منظر روابط قدرت ستراتیژیک، وضعیت چندان روشن نیست. اوکراین از نظر مساحت دومین کشور بزرگ اروپا پس از روسیه است. جمعیت اوکراین حدود ۴۰ میلیون نفر است - بنابراین بر اساس استانداردهای اروپایی بزرگ است. (یادداشت سردبیر: از سال ۲۰۰۱ در اوکراین سرشماری انجام نشده است. کارشناسان تخمین می‌زنند که جمعیت اوکراین قبل از جنگ به دلیل مهاجرت حدود ۳۰ میلیون نفر بوده است.)

ارتش اوکراین پس از روسیه و ترکیه سومین ارتش بزرگ در اروپا است و بین ۲۲۰ هزار تا ۲۴۰ هزار نفر پرسنل نظامی دارد. هزینه‌های دفاعی به‌عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی اوکراین قبل از جنگ تقریباً ۶ درصد بود، در حدود هزینه‌ای که اسرائیل هزینه می‌کند. نیروهای مسلح مدرنیزه شدند و کیف سیستم‌های تسلیحاتی مدرن را از غرب خریداری کرد. ینس استولتنبرگ، دبیرکل ناتو حتی به این نکته اشاره کرد که مرزهای غربی ده‌ها هزار سرباز اوکراینی را آموزش داده‌اند. با پمپاژ تسلیحات به اوکراین، غرب به‌دنبال ایجاد یک قدرت نظامی در برابر روسیه بود و از این طریق با روسیه به‌گونه‌ای مخالفت کرد که توجه و منابع آن را به تحلیل برده و تضعیف نماید - دقیقاً مانند رویارویی پاکستان و هند.

چند هفته پیش، یک کم‌دین روس، با معرفی خود به‌عنوان نخست‌وزیر اوکراین، با وزیر دفاع انگلیس تماس گرفت و از انگلیسی‌ها پرسید که اگر اوکراین قصد ساخت سلاح هسته‌ای را داشته باشد، انگلیس چگونه واکنش نشان می‌دهد. وزیر دفاع پاسخ داد که بریتانیا در هر صورت از دوستان اوکراینی خود حمایت خواهد کرد. بسیاری بر این باور بودند که غرب هرگز اجازه نخواهد داد اوکراین سلاح هسته‌ای خود را توسعه دهد. اما به‌نظر می‌رسد که غرب همان موضعی را اتخاذ می‌کند که در مورد اسرائیل در نظر گرفته شد. اسرائیل هیچ سلاح کشتار جمعی رسمی ندارد. اما همانطور که یک مقام اسرائیلی زمانی گفت: «اگر لازم باشد از آنها استفاده خواهیم کرد.»

به بیان تصویری، امریکایی‌ها یک واسکت ضد گلوله به تن اوکراینی‌ها کردند، روی سر آنها کلاه ایمنی گذاشتند و سپس به‌سمت روسیه هل دادند: «موفق باشید، رفیق.» همه اینها در نهایت به یک رابطه وابستگی یک‌طرفه منجر شد. اوکراین بشدت به غرب وابسته است، اما غرب هیچ برنامه‌ای برای حمایت سیستماتیک از این کشور در درازمدت ندارد.

اگر روسیه با تهدیدی مشابه پاسخ دهد، ایالات متحده چه واکنشی نشان خواهد داد؟ در یکی از جلسات استماع سنای ایالات متحده، دریاسالار کورت دبلیو تید اعلام کرد: «روسیه در حال گسترش حضور خود در منطقه است و مستقیماً با ایالات متحده برای نفوذ در نیمکره ما رقابت می‌کند.» تصور کنید اگر روسیه تعامل با مکزیکو را آغاز کند، همانطور که غرب در حال حاضر با اوکراین تعامل دارد: به‌طور غیرمنتظره‌ای برای ایالات متحده، مکزیکو به‌سرعت شروع به نظامی کردن کشور کند و به فکر توسعه برنامه راکتی و سلاح‌های هسته‌ای خود برآید. مکزیکوئی‌ها اتفاقی را که در قرن نوزدهم رخ داد به‌یاد می‌آورند، زمانی که تگزاس بخشی از ایالات متحده نبود، بلکه بخشی از مکزیکو بود. اگر مکزیکو تصمیم بگیرد این مناطق سابق را - با حمایت ارتش روسیه - به کشور برگرداند، ایالات متحده چه واکنشی نشان خواهد داد؟

ما احتمالاً در آغاز یک بحران آشکار هستیم و به پایان آن نزدیک نمی‌شویم. اولین پیشنهاد دیپلماتیک روسیه در آغاز بحران بی‌طرفی نظامی برای اوکراین، به رسمیت شناختن کریمه به‌عنوان قلمرو روسیه و به رسمیت شناختن جمهوری‌های دونباس به‌عنوان دو جمهوری مستقل بود. در پاسخ به این خواسته‌ها، اوکراین مطالبات خود را مطرح کرد: بازگشت کامل به قلمرو قبل از ۲۰۱۴ خود و عدم حرکت به سمت روسیه. به حداکثر رساندن خواسته‌های اوکراین به این معنی است که هنوز تعادل در عملیات نظامی جاری برقرار نشده است. با این حال، پتانسیل خاص خود را برای توسعه دارد.

در سناریوی اول، دولت فعلی اوکراین و روسیه می‌توانند به توافقی دست یابند که خواسته‌های روسیه را در نظر بگیرد، و این در حالی است که این توافق توسط غرب به‌عنوان بخشی از بسته امنیتی اروپا به رسمیت شناخته می‌شود. بحران روسیه و اوکراین در تقابل نظامی - سیاسی روسیه و غرب، مشابه دوران جنگ سرد، به اوج خود می‌رسد. سناریوی دوم توسعه وقایع را تحت تأثیر وضعیت نظامی در زمین فرض می‌کند. در نتیجه یا ناچار مصالحه پیدا می‌شود یا یکی از طرفین پیروز می‌شود. در این صورت، این خطر وجود دارد که غرب نتایج حل و فصل را به رسمیت نشناسد و یک دولت جدید اوکراین ظهور کند که توسط یک دولت در تبعید با آن مبارزه خواهد کرد. از سوی غرب یک سیستم پشتیبانی زیرزمینی برای اوکراین وجود خواهد آمد، مشابه آنچه در غرب اوکراین در دهه ۱۹۵۰ وجود داشت.

سناریوی سوم شامل تشدید شدید تنش‌ها بین روسیه و غرب است. این امکان وجود دارد که بحران به کشورهای ناتو سرایت کند یا جنگ تحریم‌ها علیه روسیه به امید متزلزل شدن پایه‌های دولت روسیه تشدید شود. در این صورت خطر درگیری هسته‌ای افزایش می‌یابد. با این حال، تاکنون شاهد بوده‌ایم که رهبران غربی از چنین طرح‌هایی فاصله گرفته و متعهد شده‌اند که نیروهای ناتو را وارد درگیری نخواهند کرد. اما در گذشته بارها و بارها شاهد عبور غرب از «خطوط قرمز» خود بوده‌ایم - و دلیلی وجود ندارد که این اتفاق دوباره تکرار نشود.

* - آندری سوژنتسوف دانشیار مؤسسه دولتی روابط بین‌الملل در مسکو و مدیر برنامه‌های باشگاه والدای است.

برگرفته از : [راشا تودی](#) (المانی)، ۲۱ ماه مه ۲۰۲۲